

تنوع طلاق؛ از طلاق اقتصادی تا اجتماعی و روانی

عزت نفس طرفین بعد از طلاق به دلایل مختلف دچار آسیب می شود و بسیاری از افرادی که متارکه کرده اند خود را شخصی ناپسند...



عزت نفس طرفین بعد از طلاق به دلایل مختلف دچار آسیب می شود و بسیاری از افرادی که متارکه کرده اند خود را شخصی ناپسند و فاقد توان کافی برای ازدواج مجدد می دانند. به گزارش خبرگزاری مهر، خانواده اولین و مهمترین کانون جامعه است، زیرا با تشکیل خانواده است که نسل ها حفظ می شوند و باقی می مانند و لازمه وجود گروهها و طوایف و جوامع، خانواده ها هستند. در هر جامعه اگر بنای خانواده ها مستحکم گردد و ارزش ها و معیارهای انسانی و آموزشی و تربیتی و اخلاقی و مذهبی در خانواده ها مورد توجه قرار گیرد نه تنها جامعه آسیب پذیر نخواهد بود، بلکه در زمینه امور اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جایگاه و ویژه ای خواهد داشت و اگر خانواده ها در این راستا موفق نباشند مشکلاتی به وجود می آید که جایگاه خانواده به خطر و چالش می افتد و روز به روز ازدواجهای بیشتری به طلاق ختم می شوند.

راجع به خاستگاه افزایش نرخ طلاق دلایلی شمرده می شود که از جمله می توان به افت اخلاقی افراد، خود خواهی فزاینده زوجین، تنوع طلبی افسار گسیخته و ناتوانی در ایجاد روابط عمیق اشاره کرد. اما نکته مهمتر و عجیب تر از افزایش نرخ طلاق ها، تنوع جدایی و فاصله بین زوجین است که خیلی از آنها در آمارهای طلاق محاسبه هم نمی شوند. برخی از انواع طلاق ها عبارتند از:

- طلاق اقتصادی؛ که در رابطه با پول و توافقهایی مالی مانند مهریه است.
- طلاق عاطفی؛ زمانی رخ می دهد که ازدواج دستخوش تباهی می شود، اما ممکن است تا بعد از حکم طلاق ادامه یابد.
- طلاق هم والدی؛ که در ارتباط با نگهداری و سرپرستی از فرزند یا حق ملاقات با فرزندان است.
- طلاق اجتماعی؛ که در زمینه تغییر روابط با جمع دوستان همسر رخ می دهد.
- طلاق روانی؛ که در حضور مسائل مربوط به بازیابی فردی و مشکلات مربوط فکر کردن بر اساس ضمیر "من" و نه "ما" است.
- طلاق قانونی؛ که زن و مرد به صورت قانونی و رسماً از یکدیگر جدا می شوند.

پس از طلاق به دلایل مختلف ممکن است عزت نفس دچار آسیب شود. بسیاری از افرادی که متارکه کرده اند خود را شخصی ناپسند و فاقد توان کافی برای ازدواج مجدد می دانند. مردان و زنان از لحاظ واکنشی که در برابر طلاق از خود نشان می دهند با یکدیگر فرق دارند. مردان گرایش به آن دارند که طلاق را به عنوان چیزی که به ناگهان رخ داده ادراک کنند. زنان بیشتر احتمال می رود که آن را به عنوان نقطه پایانی بر یک فرآیند طولانی قلمداد کنند. به همین خاطر است که زنها کمتر احساس های منفی را درباره طلاقشان گزارش می کنند. البته طلاق برای زنان تنش زاتر است.

همچنین انسانها از لحاظ واکنشی که در برابر طلاق از خود نشان می دهند بسیار متفاوت هستند. بسیاری از هم می پاشند، اما برخی دیگر، نوعی روند عاطفی متفاوت را تجربه می کنند. اگر طلاق را نقطه مقابل ازدواج موفق و خوب تلقی کنیم در این صورت پدیده ای غمبار قلمداد خواهد شد. اما برای بسیاری از کسانی که طلاق گرفته اند، انتخاب هایی که در اختیار داشته اند یا طلاق بوده است و یا یک ازدواج ناموفق و بد.

سازگاری با طلاق به عوامل بسیاری وابسته است. برخی از فنون حل مشکلات و مهارتهای حل تعارض که برای بهبود ازدواج ها به کار می روند می تواند برای کمک به حل آسیب های ناشی از جدایی نیز موثر باشد.

اگر زن و مرد در زندگی زناشویی واقع بین باشند و تفاوت های فردی و جنسیتی را در زندگی مشترک مد نظر داشته باشند و صداقت، درک و احترام متقابل را سرلوحه زندگی زناشویی خود قرار دهند و به خواسته ها و انتظارات یکدیگر در حد توانایی خود پاسخگو باشند می توانند زندگی شاد و موفقی را برای هم رقم بزنند که از طلاق و آسیبهایی آن جلوگیری می شود.

